**( 251 )**

**هو الابهی**

ایها المتوجه الی الله خطابت مسموع و ندایت اصغا گردید از مضمون معنی مطبوع مفهوم شد دلیل بر انجذاب بود و برهان بر ابتهال خوشا بحال تو که توجه بملکوت ابهی نمودی و تفکر در آیات کبری کردی توسل بحبل متین نمودی و تمعن در نور مبین منظور نظر عنایت شدی و مظهر روح هدایت پس پای استقامت بفشار و قدم ثبوت راسخ کن کمر همت بربند و بخدمت حضرت احدیت قیام کن تا رخت در ملأ اعلی روشن گردد و شمعت در عالم بالا سراج انجمن و نجمت بازغ شود و نخلت باسق و سخنت فارق و کوکبت شارق و اما قضیهء تحیر آنجناب در اعمال بعضی نظر را پاک کن و بصر را مقدس و طاهر نظر بخالق کن نه خلق و دقت در معنی کن نه لفظ تا غافر از افق رحمانیت طالع و لائح لابد عاصی و مذنب و قاصر در باطن و ظاهر موجود ولی این دخلی بسلطان وجود ندارد اگر سراج خاموش باشد و مخمود دخلی بمهر رخشان و بدر تابان ندارد شما توجه و نظر بشمس داشته باشید نه ذره در بحر بنگرید نه قطره و البهآء علیک (ع ع)